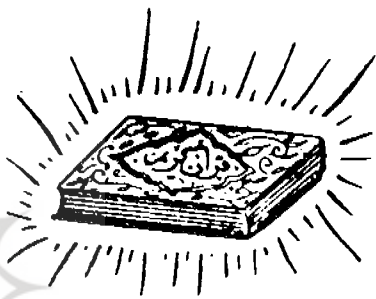


ذَلِكَ الْقُرْآنِ

مَرَاتِبِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْ آيَاتٍ مُحْكَمَاتٍ مِنْ أُمَّ الْقُرْآنِ
وَأُخْرَى مُتَشَابِهَاتٍ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ
إِغْيَاءً أَكْفَرًا وَأَبْغَاءً وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ
يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ



دیگر بارم این پیروزی بهره آمد که قسی دیگر از کانون روشنگر قرآن برگیرم و در فانوسی که بر ایوان این آستان قدسی مآب میدرخشد در افکنم تا پرتوی از مصباح نورپاش هدایت برخیزد و لمعه‌ای از دومنار قرآن و عترت بجهد و از گنبد عرش عنایت قدرت گیرد و مشتاقان را فروغی جاوید پدید آرد.

زهازه بریختی بلندوپروز که این کورت را نیز نشر این مبارک صحیفه با جشن نزول مصحف عزیز و بعثت رسول معظم مرفاق و همگاه آمد و درست حولی بر آمد و سالی بگنشت که همچنان برحول این محور عظیم آسمانی میگردیم و خامه‌ای بشکسته و ناتوان در این مسیر پر هیمنه و شکوه میگردد و خاضع و سراسیمه می‌پیچد و میگردد و با ابراز عجز میگوید: **ولو ان مافی الارض من شجرة اقلام و البحر يمد من بعدء سبعة اجهر ما نقتد كلمات الله ان الله عزيز حكيم (۲)**.

همین توفیق بزرگ بسنده‌مان بود که دل بذکر قرآن زنده داریم و خویشتن در پناه هدایت و حمایتش از پلیدی جریرت برکنار آریم که پیامبر فرمود: **ان القرآن يحيي القلب الميت وينهي عن الفحشاء والمنكر (۳)** و این شگفت است که رسول عزیز تالیان قرآن را با سازمان خبرگزاری

عرشی مقرون وهم زبان شناسد و گوید: من قرء القرآن فقد استدرج النبوة بين جنبیه الا انه لایوحی الیه (۱) چه نیکوست با ندای هدایت افزای قرآنی هم سخن شدن و با نغمه‌های هستی‌بخش آسمانی همصدا گشتن که: (القرآن هو صوت الحق الذی قامت به‌السموأة والارض و معانیه هی الاشعة‌التي تالق فی‌الوحي، الاعلی (۲). این سخن را در مناجاتهای آسمانی سید سجاد (ع) دریافتیم که به پایگاه عالی قرآن به نیکوئی آشنائی داشت و او را پرچم رهائی و نور رستگاری و ریسمان نگهبانی میدانست و میفرمود عزیزان قسط‌لایحیف عن الحق لسانه و نور هدی لایطفا عن الشاهدین برهانه وعلم نجاه لایضل عن ام قصد نجاته ولاتنال ایدی‌الهلکات من تعلق بعروة عصمته (۳) و این‌خاورشناس منصف فرانسوی بنام مارویل در این باره چنین گفت: (آیات قرآن نشانه‌های نبوت راهنمای سعادت است که از قلب مردی بزرگ و پیامبری عالیقدر جلوه‌گری کرد. (۴) فرود این کتاب خجسته که بیان هذا کتاب انزلناه مبارک (۵) شناسنامه آسمانی آن است آنسان درمان و رهائی انسانها را متضمن است که زبان صدق پیامبر صادق بشناخت اصیلش این چنین گوید: ان هذا القرآن مادبه‌الله فاقبلوه امامدته ما استطعتم ان هذا القرآن جبل‌الله و نور المبین والشفاء‌النافع عصمة من تمسک به و نجاه لمن اتبعه لایریغ فیستعذب ولا یعوج فیقوم ولا تنقضی عجائبه ولا یخلق من کثرة‌الردائلوه فان‌الله یاجرکم علی تلاوة کل حرف عشرة حسنات (۶) و همین استواری و اصالت معنوی است که باین کتاب آسمانی تأثیری جاذب و جاودانی بخشیده و گوته آلمانی (۷) میگوید: (قرآن بزودی بزرگترین تأثیر را در تمام روی گیتی نموده و نتیجه‌مهمی خواهد داد (۸) ولی علی (ع) که از هر کس بعد از پیامبر بمنطق روشن و حقیقت عالی و جاوید قرآن دانانتر است کتاب خدای را اینچنین می‌ستاید. نور لاتظفا مصایحه و سراج لایخبو توقده و بحر لایدرك قعره و ادامه میدهد که فهو معدن‌الایمان و بحبوحته و ینایع‌العلم و بحوره و انافی‌الاسلام و بنیانه (۹) و پیامبر را شنیدند که به ابی‌ذر مبارز و راستگوش فرمود عليك بتلاوة القرآن فانه نور لك فی‌الارض و ذکر لك فی‌السماء (۱۰) و همین نور است که خدایش بهمین نام خوانده و بر ما فرو فرستاد. تا پرده‌های تاریک جهل را در هم دزد و گم‌رهان را براه روشن هدایت آورد و حتی تاریکستان و حشتناک گور را بر مؤمنان خویش محفاو پر فروغ‌سازد که سادس‌الائمة صادق آل (ع) از بیان نیای گرامیش فرمود القرآن هدی من الضلالة و تبیان من العمی و نور من الظلمه

- | | |
|-----------------|--------------------|
| ۱- مسند حاکم | ۲- نظرات فی‌القرآن |
| ۳- صحیفه سجادیه | ۴- صد مقاله سلطانی |
| ۵- الانعام | ۶- المنذری |
| ۷- Gogthee | ۸- تاریخ قرآن |
| ۹- نهج‌البلاغه | ۱۰- تفسیر صافی |
- ۱۷۴۹ - ۱۸۳۲

وضیاء من الاجداث و عصمة من الهلكه و رشد من الغوايه و بيان من الفتن و بلاغ من الدنيا الى الاخره و فيه كمال دينكم و ما عدل احد من القرآن الا الى النار (۱) پس هر کس بدو گراید، سعادت یابد و آنکه بر چهره آسمانیش برده کفران افکند بحسرت افتد که خود فرمود: وانه لتذكرة للمتقين و انه لحسرة للكافرين وانه لحق اليقين (۲)

در بحبوه این ستایشهای بهت انگیز بهتر دانسته شد که از چند سوی بر سیمای متجلی این کتاب عزیز نظر افکنیم و اشعای از آن برگیریم باشد که توشه‌ای بدست آید و انجلائی در خاطر پدید گردد پس سراغ تعریف و تعیین و تبیین شخص پیامبر رفتیم که قرآن خویش را اینسان انقسام بخشید و به ابن مسعود فرمود نزل القرآن من سبعة ابواب علی سبعة احرف، زاجر و آمر و حلال و حرام و محکم و متشابه و امثال، فاحلو حاله و حرما حرامه و اعلو اما امرتم به وانتهو اعمانهیتم عنه و اعتبر و با مثاله و اعملو بمحکمه و آمنوا بمشابهه و قولوا آمانه کل من عندنا (۳). و اینک سخنی چند بایجاز در باره محکم و متشابه می آوریم و به آیتی که در صدر مقال تجلی دارد اشارت می کنیم.

محکم و متشابه

خدای علیم آیات کتاب مبین را بدو دسته و رسته گونه گون بخش کرده و آنها را محکمت و متشابهات نامیده است (۴) دانشمندان و مفسران هم در این باره سخنها گفته و رساله ها و مقاله ها پرداخته اند که هرگز این کتابت را حوصله بیان آنها نیست از جمله حبیب نیشابوری میگوید در این مسئله سه قول است نخست آنکه همه آیات قرآن محکم است بمدلول (کتاب حکمت آیانه) (۵) ثانی آنکه همه آیات کتاب کریم متشابه است بمفهوم (کتابا متشابهات مثانی نقشع منه جلودالذین یخشون ربهم) (۶) و دیگر آنکه از این آیات بعضی متشابهند و برخی محکم بدلیل آید صدر مقال (۷) ولی پس از بررسی کامل میان این سه عقیده را اینسان جمع کرده اند که چون همگی آیات قرآن متقن و استوارند پس محکمند و بدان نظر که از چهره هدایت و حقایق بیکدیگر همانندند متشابهند و از میانه این آیات آنها که در دلالت بر مدلول خویش قصوری ندارند محکم هستند و آیاتی که در نخستین نظر محذوق و مدلول واقعی آنها مشخص نیست از متشابهاتند (۸) بدیگر عبارت، قرآن همه محکم است یعنی تقصی و شبههای بر آن راه نیابد و

- | | |
|---------------|-------------------|
| ۱- تفسیر صافی | ۲- الحاقه آیه ۵۱ |
| ۳- الاتقان | ۴- آل عمران آیه ۷ |
| ۵- هود | ۶- زمر ۲۳ |
| ۸- الاتقان | ۸- تفسیر المیزان |

باطل را بر آن دستی نباشد (لایاتیہ الباطل من بین یدیه ولا من خلنہ) (۱) و جمله متشابه است که بهری از آن بهر دیگر را ماند در احکام و اعجاز (۲) و باز اینچنین گفته اند که :

۱ - محکم را معنی روشن است و متشابه را نه ۲ - محکم جز تاویلی واحد نمی گیرد ولی متشابه وجوهی مختلف را در بر دارد ۳ - محکم بنفسه مستقل است و متشابه به غیر مستقل (۳) امام فخر رازی در تفسیر خود چنین آورده که محکم آنست که شرایع را در آن اختلافی نیست و متشابه که مجمل هم نامیده میشود آنست که دلالت بر آن و غیر آن یکسانست (۴). محمد عبده میگوید محکم آن چیز استوار است که رخنه ای در آن راه نیابد و متشابه بر چیزی اطلاق میشود که متضمن افراد و اجزائی است همانند هم (۵).

ابن ابی حاتم عقیده دارد که محکّمات قرآن عبارتست از ناسخ، حلال، حرام، حدود، فرائض و آنچه را که باید بآن ایمان آورد و عمل کرد و تشابهات متضمن منسوخ، مقدم، مؤخر، مثل، قسم است و آنچه را که باید به آن ایمان آورد ولی عمل نکرد (۶) در تأیید این سخن علی بن طلحه از عبدالله عباس روایت کند که محکّمات قرآن، حلال و حرام و حدود و احکام و فرائض است که آن را باید بکار بستن و ایمان آوردن و تشابهات قرآن، امثال و مواظظ و مقدم و مؤخر است که در اینجا چیزی نیست که بکار بستنش لازم نماید (۷) فریابی از قول مجاهد میگوید محکّمات شامل حلال و حرام است و غیر آنها متشابه است (۸) و باز ابن عباس گفت که محکم ناسخ است و متشابه منسوخ و الجبائی عقیده دارد محکم را معنی واحدی است و متشابه را مفاهیم مختلف (۹) پس محکم قطعی الدلاله است بر معنی و مراد ظاهر و عبارتش از احتمال و اشتباه محفوظ و حائز معنی واحد همچون (واللهکم الله واحد) (۱۰) و متشابه معانی مختلفی دربر دارد که جز با دقت فهمیده نمی شود بمانند: (یدالله فوق یدیهم) (۱۱) که معانی ظاهر و مؤلی دارد (۱۲) ماوردی میگوید محکم برخلاف متشابه معقول المعنی است (۱۳) محمد بن جعفر زبیر گفت محکم آن باشد که يك وجه را متحمل است و متشابه وجوهی مختلف را و بدیگر سخن مفهوم محکم از ظاهرش معلوم است (۱۴) ابن ابی حاتم میگوید محکّمات عبارت از فرامین زاجره

- | | |
|-------------------------|--------------------------|
| ۱ - فصلت ۴۲ | ۲ - تفسیر ابوالفتوح |
| ۳ - الاتقان | ۴ - تفسیر کبیر |
| ۵ - تفسیر المنار | ۶ - الاتقان |
| ۷ - تفسیر ابولفتوح رازی | ۸ - الاتقان |
| ۹ - تشابهات القرآن | ۱۰ - بقره ۱۶۲ |
| ۱۱ - الفتح ۱۰ | ۱۲ - تفسیر مقتنیات الدرر |
| ۱۳ - الاتقان | ۱۴ - تفسیر ابوالفتوح |

قرآن است اسحق ابن سويد، الحاکم، عبد بن حمید و دیگران در این باره سخنانی گفته اند (۱) شیخ طبرسی محکم و متشابه را در پنج صورت بیان کرده است (۲) و عبده در تفسیر خود برای تعریف محکم و متشابه و فرق بین آنها ده ماده و عقیده بیان کرده است و سپس می گوید محکم آن است که راه یافتن بدانش آن با دلایل روشن و خفی ممکن است ولی وصول بمفهوم متشابه میسر نیست مانند هنگامه بروز رستاخیز و اندازه پاداش کردار (۳) شیخ بهائی در جمله ای موجز و بلیغ به تبیین این سخن پرداخته و میگوید: (اللفظ ان لم یحتمل غیر الظاهر منه فنص وان احتمل فالراجح هو الظاهر و المرجوح هو المؤول و ان تساویا محتمل و الاولان المحکم و الاخیران المتشابه) (۴) ابن البیان آیات صفات الهی را از متشابهات میدانند و تصنیفی شریف در این باره پرداخته و ابن المنذر فواتح سور را از متشابهات می شمارد و میگوید برای هر کتاب اسراری است و اسرار قرآن فواتح سور است که مفسران و محدثان معانی مختلفی برای آنها بیان کرده اند (۵) میبندی مینویسد محکمت آیتهای استوار داشته و تمام کرده است و متشابهات در ظاهر بهم مانند و جز از یکدیگرند در حقیقت و بر این گویش می افزاید و میگوید محکمت آن است که در لفظ و معنی آن هیچ اشکال نیست نسخ از آن باز گرفته اند و معارضه از آن باز گردانیده و اختلاف را در آن حاجت بتکلف نظر نباشد از آن روی که روشن و پیدا و ظاهر است و آن فرائض است و حدود، امر و نهی و حلال و حرام و معظم قرآن واصل آن است ولی متشابه در ظاهر بچیزی ماند که در حقیقت غیر آن باشد (۶) بیضاوی میگوید محکمت آیاتی است که عبارتش استوار است و متشابهات محتملانی است که مقصود آن جز بفتح و نظر روشن نمیشود (۷) جلال الدین سیوطی در این باره سخنی بایجاز پرداخته و گفته است محکمت واضحات الدلاله اند ولی معنی متشابهات مفهوم نیست (۸) شیخ طوسی چنین نظر میدهد که مفهوم محکم بدون قرینه ظاهر و معلوم است و بعلمت و وضوح نیازی بدلالات ندارد مانند: (ان الله لا یظلم الناس شیئا) (۹) ولی مفهوم متشابه بظاهر معلوم نیست مگر قرینه و دلیلی بر آن بیاید و پنج تعریف در این باره آورده و بیحس پرداخته است (۱۰) رشید رضا در نگارش خویش طی پنج اصل در باره شناخت متشابهات سخن بمیان آورده و در این باره بحثی مستوفی پرداخته است (۱۱). مجاهد گفت معانی محکمت مشتبّه نمیشود و متشابهات خلاف آن است و جابر اضافه کرد که تعیین تاویل محکم معلوم است و تعیین تاویل متشابه نا ممکن (۱۲) زیباتر آنکه طنطاوی مفسر متتبع کلامی بدیع

۲ - تفسیر مجمع البیان

۴ - زبدة الاصول

۶ - کشف الاسرار

۸ - تفسیر جلالین

۱۰ - تفسیر التبیان

۱۲ - متشابهات القرآن

۱ - الاتقان

۳ - تفسیر المنار

۵ - الاتقان

۷ - انوار التنزیل

۹ - یونس ۴۶

۱۱ - تفسیر المنار

و جالب در این باره آورده و پژوهشی چشمگیر بیان داشته و میگوید وحی کلام خداست و طبیعت فعل او و این هر دو مصدری واحد دارند و در قرآن بصورت محکمت و متشابهات مثل می‌شوند سپس در این باره شرحی محققانه و عمیق بیاراسته و نکاتی علمی منطبق با نتایج مثبت کاوشها و کنکاشهای طبیعی روز بعنوان محکم و متشابه در نظام و مظاهر طبیعت بیان کرده و بتفصیل از دورانهای زمین‌شناسی و پیدایش گیاه و حیوان در زمین سخن رانده و اعجاز قرآن و پدیده‌های پرزرف طبیعت را بهم برآورده و از آفرینش شگفت‌آور انسان و جنبه‌های روانی و پیکری او حقایق اعجاب‌انگیز بر قلم رانده است و تحقیقات دانشمندان بزرگ غرب را بر آنها افزوده و سرانجام چنین نتیجه گرفته است که محکم در طبیعت آن است که با محکمت قرآن همانندی کند مانند کرویت و حرکت زمین و تطورات جنین و غیر آنها و متشابه آن است که خردها هنوز بدانش آنها آگهی نیابد پس هریک از متشابهات طبیعی قرآن که بر اثر پژوهشها و تفرسات علمی روشن شود در عداد محکمت قرار می‌گیرد (۱). رابع اصفهانی متشابهات را سه گونه بخش کرده که برخی قابل درکند و برخی دیگر نامفهوم (۲) این شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۳ هجری قمری رنجی وافر برده و گنجی ارزنده پدید آورده و در این باره کتابی سودمند بنام **متشابهات القرآن و مختلفه پیرداخته و در یکصد و پانزده فصل مفصل متشابهات قرآن را بیان و تفصیلا بتشریح آنها کوشیده است که این مقاله را حوصله آن مقال بس مستوفی نیست و هبة‌الدین شهرستانی تکمله ای بر آن افزوده که بزودی موجزا در این گفتار بیاید (۳) عبدالعزیز طباره** عنوانی تازه به این بیان داده و میگوید متشابهات یا جاذبه عمومی قرآن افکار و عقاید مختلف رابوی خود میکشاند و در عین حال خط‌مشی مستقیم و استوار خود را حفظ میکند (۴) و دیگر سخن آنکه متشابهات آیاتی است که حقایق عالیه در آن برای نزدیک شدن بذهن عوام باموری حسی تشبیه شده باشد (۵).

علامه طباطبائی مفسر محقق معاصر شانزده قول مختلف را از ارباب تفاسیر و تحقیق در تفسیر خویش آورده و بیکایک آنها اشکال کرده و در پایان گفته است آنچه را خود ظاهر آیه درباره معنای متشابه میگوید این است که متشابه آیه‌ای است که در عین آنکه بمدلول لفظی خود دلالت میکند از نظر مقصد و معنا مورد شبهه و تردید است (۶) **علامه شهرستانی** میگوید متشابهات گنجینه قرآن است و اگر اجل و نافع از محکمت نباشد کمتر از آن نیست (۷) ولی اصولاً بعضی از مفسرین معتقدند که متشابهی در قرآن نیست مگر اخبار غیب مانند وضع آخرت و چگونگی بهشت و دوزخ (۸) و برای اكمال این بحث بیان امام صادق (ع) را می‌افزائیم که فرمود متشابه آن است که بر جاهلش متشبه باشد بدین کنایت که دانایان علم قرآن بر مفاهیم آن محیطند (۹).

— || حکمت وجود تشابهات || —

اکنون این پرسش پیش می‌آید که چرا آیات تشابهات که بظاهر مفهومی واضح ومدلل ندارد در کتاب روشنی که ضامن هدایت صریح انسانهاست بیاید و چرا قرآن با يك بیان روشن و دور از تشابه سخن نگوید و بکجروان و گمراهان فسحت و اجازتی دهد که آیات بیناتش را بنفع عقاید خویش تفسیر و توجیه کنند و این اعتراض از زمان نزول قرآن پدید آمده و هنوز هم سخنی در آن می‌رود .

مفسران بتفصیل باین مسئله پاسخ دادند پاسخهائی نیکو وبهنجار، تا آنجا که بدرستی حکمت وجود تشابهات آشکار میشود و این دسته از آیات روشن قرآنی بصورت معجزاتی بزرگ چهره مینماید (۱) .

محمد عبده علت وجود تشابهات را درسه بحث بدینسان بیان میدارد :

۱ - خداوند بدآنجهت تشابهات را درقرآن آورد تا میزان ایمان ما را بسنجد و بیازماید زیرا ایمان بمحکمات قرآن که باخردها سازگار است امری عادی است .
 ۲ - وجود تشابهات انگیزه تلاشها و کوششها و پژوهشهای علمی و عقلی است تا مفاهیم عالی آنها درک شود و این خود يك گونه ورزش فکری است که مردمان را بدرست اندیشی وامعان نظر وامیدارد .

۳ - قرآن برهمه مردمان از دانا ونادان ومتفکر و عامی نازل شدهاست ووجود تشابهات بدانجهت است که هر کس بمیزان فهم ونبوغ ودانش خویش از حقایق قرآن بهره‌برگیرد (۲) .
 میبسی گوید فایدهت وجود تشابهات درقرآن احراز امتیاز علماء وامعان نظر آنان، دریافت ثواب و پاداش آخرت دربرابر رنجهای جانکاه علمی برای کسب مفاهیم قرآن و بلکه اظهار عجز خردهای انسانی دربرابر عظمت وعمق کلام خداست (۳) .

و دیگر مفسران نیز دراین باره بتفصیل وبسط واستدلال سخن گفته‌اند ومادراینجا دلایل دهگانه ای را که علامه سید هبة‌الدین شهرستانی تحت عنوان حکمت وجود تشابهات در قرآن بیاورده ودر کتاب المعجزة الخالده و خاتمه کتاب تشابهات القرآن و مختلفه بلسان فصیح عربی بیان داشته موجزا مینگاریم بدین شرح :

۱ - قرآن کتاب راهنمای جاوید بشری است که در همه اقطار جهان و ادوار روزگار این رسالت

بزرگ را بعهدہ دارد و اگر آیات آن محدود به محکّمات بود هرگز نمیتوانست با تطورات فکری و تجدد مدنی انسانها همگامی کند. قرآن شکوفه تازه‌ای است که همه فرزندان انسان در همه دورانها از آن بهره میگیرند و این حقیقت جز بوسیله تشابهات، مجازات، استعارات، تشبیهات و تفنّات و کنایات تحقق نمی‌پذیرد.

محمد الفزالی نویسنده عرب در تأیید این سخن میگوید: **فالتقرآن رائع للحکم البالغة التي قرعت آذان الامم في شتى العصور (۱).**

۲- برای گروه مردمان در هر روزگار و فراهی ذوقها و اندیشه‌های گونه‌گون است و این اختلاف طبیعی با محکّمات راست نیاید و تشابهات رعایت آنها را ملحوظ و محفوظ میدارد.

۳- دانشها و رازهای جهان طبیعت بتدریج برحسب گسترش تمدن در طی قرون آشکار میگردد و چون قرآن همیشه و همه جا بر فراز دانشها و مدنیتها سایه می‌افکند این سیطره و برتری از طریق تشابهات تحقق می‌یابد و باهر کشف و اختراعی اسراری از عظمت قرآن پدیدار میگردد.

پس بعقیده دانشمند بزرگ لبنانی قرآن کتاب جاوید هستی است که راز حیات را می‌شناسد **هذا کتاب الوجود يعرفه من عرف نفسه و عرف الغایة من محیاه و من مبتدئه و منتهاه و ادامه میدهد که: آنکس که قرآن را فرستاده پروردگار دانا و محیط است و بدینجهت در هر دوری از روزگار معارف بشر حقیقتی از آن کشف میشود و نقابی از چهره اسرار هستی می‌افتد (۲) که خدای فرمود: **قل انزلہ الله الذی یعلم السرفی السّموات و الارض انه کان غفوراً رحیماً (۳)** پس قرآن ببرکت آیات تشابهه رسمیت دائمی و ابدیت اجرائی پیدا کرده بنابراین تشابهات قرآن یعنی ضامن بقاء و تروتازگی دائمی آن (۴).**

در اینجا **ظنطاولی** بحقیقت رنجها برده و پژوهشها کرده و بسیاری از اسرار طبیعت را که در پرتو دانش امروز روشن گشته از تشابهات اعجاز آمیز و اعجاب انگیز قرآن کشف کرده و حقایقی بسیار تازه و شگفت بیان کرده که مراجعه بآن رازهایی بزرگ از غوامض طبیعت و اعجازی عالی از مصحف عزیز را بر ما پدید می‌آورد (۵).

ارنست رنان میگوید در هر مرتبه از خواندن قرآن بایی از ابواب معارف بر من باز میشود و بگشایش يك معمای جدید بر میخورم (۶).

- | | |
|---------------------|-------------------------|
| ۱- نظرات فی القرآن | ۲- نظرات فی القرآن |
| ۳- سوره فرقان آیه ۶ | ۴- فرهنگ و عقاید اسلامی |
| ۵- تفسیر جواهر | ۶- فلسفه الاجتماع |

۴ - چون بهنگام فرود قرآن سطح دانشها و افکار همگان پائین بود اگر قرآن صریحا به بیان اسرار هستی همچون کرویت زمین و گردش ستارگان می پرداخت با اعتراض شدید نابخردان و صاحبان اندیشه های کوتاه مواجه می شد و بهمین جهت حقایق هستی را در لفاف متشابهات بیان فرموده و موضوع حرکت زمین را تحت عناوینی از قبیل : (الذی جعل لکم الارض مهدا) (۱) بیان داشته تا آیندگان از کشف حقیقت آن بهره مند گردند .

۵ - قرآن معجزه پایدار اسلام است و برای همه مردمان روزگاران باید معجزاتی نوین را حائز باشد و هرچند دانش مردمان بالا رود شگفتیهای تازه ای ارائه دهد و این خوارق و شکر فیها در پرده ابهام و در قالب متشابهات قرآن نمایان است .

زول لایوم (۲) محقق منصف ودانای فرانسوی در این باره میگوید قرآن دریای پر زرفی است که نهرهای دانش از آن برخاسته و بجهانیان بهره ها رسانیده است، قطعا این قرآن برای همیشه زنده میماند و در هر دوره و زمان، اهل دانش و تحقیق باندازه فهم و درک خود از آن استفاده می کنند (۳) .

۶ - قرآن فصیحان عرب را برای اتیان بمانند آیات خویش دعوت کرده است و این تحدی و معارضه در مجازات و استعارات و صنایع بدیعه بطرزی روشن ظاهر و نمودار است که آنها هم از متشابهات قرآن بشمار می آید .

۷ - قرآن کتاب هدایت همگان و معلم انسانها و مقوی دماغها و اندیشه ها در روشهای گوناگون علمی، فرهنگی، تربیتی و است که هر کس بمیزان فهم و تخصص و کمال خود در ادوار مختلف روزگار از آن بهره میگیرد و این حقیقت در آیات متشابهه که چهره های علمی و فکری بسیاری را در بردارد منجلی است و قرآن را بصورت يك معجزه علمی و عقلی جاوید در آورده است چنانکه ابن عربی میگوید چون شریعت اسلام برای همیشه پایدار است معجزه این دین جاوید هم بصورت معجزه عقلیه ای بنام قرآن برای همیشه در روزگار باقی میماند (۴)

۸ - آیات قرآنی نیازمند به تفسیر و تاویل ائمه دین و اهل بیت طهارت است که هر کدام بر حسب موقعیت زمانی خود بخشی از آن را بمناسبتی برای مردم تفسیر و تشریح کنند و همچنین علمای اسلامی در عصور مختلف بنا باجتهاد و استنباط خویش از حقایق آن بهره گیرند و متشابهات قرآن متضمن چنین بهره مندیهای جاودانی است .

پس رمز اصالت و حیات جاوید قرآن همین است که در برابر حوادث روزگار کانونی برای صدور فرمانهای هدایتبخش معنوی باشد و منبع اصیل و تازه ای در تعیین خط مشی مردمان بشمار آید و راه نوین زندگی را بآنان بنمایاند. *هذا کتاب یصوغ الحیاة فی قوالب جدیدة و یرد النفوس الی فطراتها السلیمة* (۱) و بهمین جهت لرد بیدلی مینویسد محمد(ص) کتاب محکمی پیش روی بشر گذاشت که لیاقت و قابلیت همه انسانها را داراست (۲).

۹- توده‌های انسانی در هر نژاد و زبان و افکاری که باشند باید به اسلام گرایند و آموزش قرآن را فرا گیرند و این تعلم بر حسب اختلاف مترجمان و مفسران انجام می‌پذیرد و چون آیات قرآن متشابه و متضمن معاهیم و معانی مختلف باشد هر یک بمیزان اندیشه و خرد و زبان زمان و دریافت خویش از آن بهره میگیرند و در پرتو تفکری بلیغ و روشن بحقایق قرآن آشنا و باصالت آسمانی آن معترف میگردند. چنانکه توماس کارلیل (۳) مستشرق اندیشمند انگلیسی میگوید هیچکس قرآن را با تامل و اندیشه نمیخواند مگر آنکه می‌بیند حقایقی جوهری بذات خود نزد وی آشکار است و در می‌باید که قرآن وابسته باصلی حقیقی و پیوسته بمبدئی عالی و مقدس است (۴).

۱۰- گروهی قرآن را از چهره الفاظ و فصاحتش معجزه میدانند و بآن می‌گیرند و برخی تحت تاثیر جذبات روحیش قرار میگیرند و گروه سومی که از دریافت این امتیازات بی بهره باشند از طریق درک دانشها و اسرار و معارف قرآن که در لفاف متشابهات متجلی است بحقیقت و قدس قرآن پی میبرند و بآن می‌گیرند (۵) چنانکه سدیو دانشمند فرانسوی استحکام و عظمت قرآن را از جنبه علوم و حکمت آن بزرگ می‌شمارد و میگوید قرآن کتاب محکم آسمانی است که بوسیله آورنده اش با علم و حکمت در میان اعراب ایجاد افتخار کرد (۶) و علی (ع) که دانا به علم و حکمت واقعی قرآن بود در باره اش فرمود: *جعل الله ریا لعش العلماء و ربیعا لقلوب الفقهاء و محاج ل طرق الصلحاء* (۷).

اکنون سراغ تفسیر *المیزان* میرویم، و از آن نشان این حقیقت را می‌گیریم علامه صاحب تفسیر نظراتی از مفسران را درباره حکمت وجود متشابهات آورده و بیکایک آنان اشکال کرده.

۲- ندای اسلام و عرب

۴- الابطال

۶- تاریخ عرب

۱- نظرات فی القرآن

۳- Carlyle ۱۸۸۱ - ۱۷۹۵

۵- تنزیه التنزیل

۷- نهج البلاغه

و پاسخ گفته و بحثی بس بسیط و عمیق و دقیق فرا آورده است ملخص کلام آنکه قرآن حقیقتی است عالی و خارجی در ماوراء جهان ماده و حیات انسانها و خدایش آنرا برای هدایت مردمان بر زمین فرود آورده در قالب الفاظ و گویشها و چون حائز هدایتی عام است و افکار و افهام مردمان متمایز و مختلف پس بآن جنبه مثالی داده و آن حقایق عالی را بچهره محسوسات و ادراکات حسی مردمان در آورده و بصورت مشابهات نازل کرده تا بسرحد فکر و درک افراد ، پائین آید و تنزل یابد و شایان درک و فهم باشد در این باره مثالی زیبا و بس رسا آورده که چون باران از آسمان بیارد در جو هوا یکسان و بسیط و یک‌روی است و چون بر زمین فرود آید در آبگیرها و بر که‌ها و جوی‌ها شکلهائی مختلف گیرد و گاه باغبارها و رنگها درآمیزد و گونه‌هائی گیرد و کف هائی بر آورد ولی بتدریج کفها و رنگها غشها و آلودگیها فرو نشیند و آبی صافی که بمردمان بهره رساند باقی بماند قرآنهم همین گونه است که از مصدر وحی با حقیقت و اصالت و معنویت فرود می‌آید و در زمین در قالب الفاظ و امثال و مشابهات برای درک مردمان قرار می‌گیرد و چه بسا که اوهام و خرافات و اغراض بر چهره اش می‌نشیند ولی بزودی حقیقت آن با همان بساطت و اصالت چهره مینماید بمدلول این آیه انزل من السماء ماء فسالت اودية بقدرها فاحتمل السيل زبداً رابياً و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیته او متاع زبدی مثله کذالك یضرب الله الحق و الباطل فاما الر بدفیذهب جفاناً و اما ما ینفع الناس فی الارض کذالك یضرب الله الامثال (۱). و توضیحاً می‌افزاید همچنانکه حکم مثل در اقوال خداوند جاری است در افعال حضرتش نیز جریان دارد (۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایه جامع علوم انسانی

— || ام الكتاب چیست ؟ ! — ||

ام الكتاب بمدلول آیه کریمه (آیات محکمات هن ام الكتاب) (۳) آیات محکمه قرآن است و بعقیده همه مفسران بدان جهت این نام را گرفته‌اند که فسمتهای اصلی قرآن را تشکیل میدهند و چون معنی آنها ظاهر و صریح و یک چهره است آیات مشابهه را بر محکمات عرضه میدارند تا مفاهیم آنها درک شود چنانکه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) فرمود کسی که متشابه قرآن را به محکمش رد کند بصرط مستقیم راه برده است پس فرمود در اخبار ماهم متشابهاتی چون قرآن وجود دارد پس متشابه آنها را به محکمشان رجوع دهید و بدون رجوع از آنها پیروی نکنید که گمراه خواهید شد (۴) .

شریف رضی گفته است که محکّمات اصل و ریشه کتاب هستند و بمنزله مادر (ام) بشمار میروند و بقیه آیات پیرو و تابع محکم هستند که چون فرزند دربی مادر روان باشد (۱).
وظیفه ما آنست که به محکّمات قرآن ایمان آوریم و عمل کنیم چنانکه حضرت صادق (ع) فرمود به محکم قرآن ایمان بیاور و عمل کن (۲).

ابن شهر آشوب میگوید مراد آیات متشابه بظاهر مفهوم نیست مگر آنکه با آیه مفهوم (محکم) تطبیق و مقارن شود (۳) زیرا محکم ضد متشابه است و در فهم معنای آن بین علماء اختلافی نیست (۴) مثل الحمد لله رب العالمین (۵) و اشاره بهمین حقیقت است که امام صادق (ع) محکّمات را فرقان می نامند و میفرماید الفرقان المحکم الذی یعمل به و کل محکم فهو فرقان (۶) پس قرآن را اصولی است محکم و استوار و معانی بلند و خلل ناپذیر که به الفاظ آسمانی خود جان می بخشد و همواره آنهارا زنده و تازه نگه میدارد چنانکه گوته شاعر و فیلسوف آلمانی گفت پس از دقت و تطبیق الفاظ صحیفه با معانی قرآن عظمت و بزرگی این کتاب آسمانی مارا بتعظیم آورد و فهمیدیم و دانستیم که اصول و قواعد و احکام و مقاصد این کتاب زیاده از حد قوی و محکم میباشد (۷).
فیض میگوید مقصود تشابهات جز بفحص و نظر و استنباط علماء ربانی و عرضه آنها بر محکّمات بدست نمی آید (۸) پس مفهوم حقیقی آیات چند پهلوی متشابه قرآن با ارجاع بآیات يك پهلوی محکم درک میشود (۹) بنا بر این چون آیه متشابه (الرحمن علی العرش استوی) (۱۰) را بر آیه محکم (لیس کمثله شیئی) (۱۱) عرضه بداریم خدای متعال را از صفت مادی و ظاهری تجسیم منزّه میدانیم و همچنین آیه (الی ربها ناظره) (۱۲) چون به آیه محکم (لاتدرکه الابصار) (۱۳) برگردد رویت باری تعالی ممتنع مینماید (۱۴) پس متشابه موقعی که بر محکم مرجوع و مفهومی ثابت شود محکم میگردد (۱۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

— || تاویل چیست؟! || —

اکنون باید دید تاویل چیست و تشابهات را چگونه تاویل می کنند و علم آن مخصوص چه کسانی است؟

حیث تشلیسی میگوید برای تاویل پنج معنی آمده بکناره رسیدن، عاقبت، خواب گردن

- | | |
|--------------------------|--------------------|
| ۱ - مجازات القرآن | ۲ - تفسیر عیاشی |
| ۳ - تشابهات القرآن | ۴ - معجزة الخالد |
| ۵ - سوره حمد | ۶ - تفسیر صافی |
| ۷ - صحف مقاله سلطانی | ۸ - تفسیر صافی |
| ۹ - فرهنگ و عقاید اسلامی | ۱۰ - سوره طه آیه ۵ |
| ۱۱ - شوری آیه ۱۱ | ۱۲ - قیامه آیه ۲۳ |
| ۱۳ - انعام آیه ۱۰۳ | ۱۴ - تفسیر المیزان |
| ۱۵ - المیزان | |

درست بکردن و گونه‌ها (۱) متاخرین تاویل را باز گردانیدن معانی الفاظ برخلاف ظاهر پنداشته‌اند ولی حقیقت این است که تاویل بمعنی عاقبت است (۲) دیگر آنکه تاویل از (اول) بمعنی رجوع گرفته شده است (۳) و امتیاز تاویل و تفسیر آن است که بیان آیات متشابهه را تاویل گویند و کشف معنی آیات محکم را تفسیر (۴). شیخ طبرسی میگوید تاویل عبارت از رد یکی از احتمالات است به آنچه مورد مطابقت باشد و باز میگوید که تاویل انتهای هر چیز و بازگشت اوست بآنچه امرای آن باز میگردد (۵).

شیخ طوسی می‌نویسد التاویل، التفسیر واصله المرجع والمصیر (۶) میسدی میگوید تاویل یعنی آنچه در عاقبت معنی در آخر بآن آید (۷) و عرب تاویل هر چیز را انتهای آن میدانند (۸) محمد عبده میگوید از الفاظ تاویل که به هفت بار در سوره‌های نساء، اعراف، یونس، یوسف اسراء و کهف آمده چنین برمی‌آید که تاویل در قرآن بمعنی امری است که در آیه‌ای محتوم تحقیق می‌پذیرد و یا عملی است غامض که بقصد واقعه‌ای آتی اراده میشود و می‌نویسد. قنماء مفسرین منجمله ابن جریر تاویل را بمعنی تفسیر گرفته‌اند و متاخرین عقیده دارند که تاویل عبارت است از نقل کلام از معنی ظاهری بمعنای غیر ظاهری که اثبات آن محتاج بدلیل خارجی است که اگر خارجی نبوده معنی ظاهری برای لفظ باقی نمی‌ماند، علمای علم اصول فقه می‌گویند تاویل عبارت است از گردانیدن لفظ از احتمال راجح به احتمال مرجوح و ضعیف بدلیل (۹).

اینهم سخن تازه‌ای است که تاویل قرآن یعنی تطبیق مواد و مفاهیم آن با شرائط یا باصطلاح فنی با مصادیق و مقتضیات جدید و مشابه (۱۰).

علامه طباطبائی هفت قول در باره تاویل نقل کرده و به یکایک آنها پاسخ داده و اشکال کرده و سپس سخنی بس درست و استوار و نظری عالی و عمیق ابراز کرده و گفته است که تاویل عبارت از حقیقتی واقعی است که تکیه‌گاه و مستند همه آیات قرآنی است که از حدود افهام عمومی بالاتر و غیر مفاهیم و الفاظ است و آیات قرآن نسبت به آن حقیقت متعالیه جنبه مثال دارد و آن حقیقت بزرگ معنوی بالاتر از آن است که در قالب الفاظ درآید چنانکه خود قرآن باین معنی اشارت دارد (انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون و انه فی ام الكتاب لدنیا لعلی حکیم) (۱۱) بمنطوق این آیه استوار قرآن کریم پیش از آنکه باچهره موجود از آسمان عنایت نازل گردد در

- | | |
|-----------------------|---------------------------|
| ۱ - وجوه قرآن | ۲ - اعلام قرآن |
| ۳ - تفسیر العیزان | ۴ - تفسیر ابوالفتوح |
| ۵ - تفسیر مجمع البیان | ۶ - تفسیر تبیان |
| ۷ - کشف الاسرار | ۸ - تفسیر مجمع البیان |
| ۹ - تفسیر المنار | ۱۰ - فرهنگ و عقاید اسلامی |

زرد خداوند بصورت امری بلند پایه و استوار و محکم بوده است و خدای لطیف بجهت بذل عنایت آن حقیقت و امر عالی را بصورت کتابی در آورده و در قالب الفاظ و زبان عربی برای هدایت مردمان فرورستاده است تا تحقیق آنرا درك و تعمق کنند زیرا تا بهنگامیکه در (ام الکتاب) محفوظ باشد کسی را بدرك آن راهی نیست و در آیه (بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ) (۸) بهمین حقیقت بزرگ اشاره شده است، پس تاویل آیه عبارت از آن امر خارجی و عینی است که نسبتش بمدلول آیه نسبت ممتثل بمثل میباشد و همان حقیقت مسلم موجب تشریح احکام و بیان معارف الهی گردیده است (۲)

محمد عبده نیز بهمین حقیقت عالی معترف است و میگوید عقیده مسلم و ثابت که فوق آن بیانی نیست اینکه تاویلی که آنرا جز خدای کسی نمیداند آن حقیقت بزرگ خارجی است که این آیات به آن بر میگردد مانند چگونگی صفات خداوندی، جهان غیب و بهشت و دوزخ و آنچه در آنهاست و کیفیت ایجاد و افناء اشیاء (۳).

— فتنه جویان کیانند؟! — ||

بمدلول بیان الهی (فاما الذین فی قلوبهم زیع فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء ناولیه) (۴) کسانی که دلها و افکاری کج و آلوده دارند آیات متشابهه را بسود افکار و اغراض خویش توجیه می کنند و آنها را اهل زیع میگویند یعنی کجروان چنانکه سیوطی میگوید: اهل زیع به تاویل و کنه متشابهات پی نمی برند پس شك می کنند و فتنه بر می انگیزند و می افزاید کسانی که در قلب آنها زیع است متشابهات را بدون رجوع به محکمت پیروی می کنند (۵)، و علت ذم زائغین در قرآن این است که تاویل قرآن را همچون راسخان نمیدانند و متشابهات را برای فتنه جوئی پیروی می کنند (۶) پس آن کجروان بظاهر آیات توجه دارند و یا آنها را بیاطل تاویل می کنند (۷) بیضاوی میگوید زیع عدول از حق است و اتباع متشابهه توجه بظاهر آیه یا تاویل غلط آن (۸). شیخ طوسی می نویسد زایغ کسی است که شك و یا بجهل از حق برگردد، و برای فتنه جوئی به آیات قرآن بیاطل احتجاج کند (۹) و در دلش کژی و چفتگی (چسبیدن و میل کردن) باشد و از راه استقامت بیکسوی چسبد و همواره در پی متشابهات باشد همچون کافران و منافقان و جهودان (۱۰).

- | | |
|----------------------|--------------------|
| ۱ - سوره بروج آیه ۲۲ | ۲ - المیزان |
| ۳ - تفسیر المنار | ۴ - آل عمران آیه ۷ |
| ۵ - الاتقان | ۶ - تفسیر المنار |
| ۷ - المعجزة الخالده | ۸ - انوار التنزیل |
| ۹ - تفسیر تبيان | ۱۰ - كشف الاسرار |

چون در جوامع بشری آراء و عقایدی مختلف وجود دارد هر کس آراء خود را به آیه‌ای از قرآن مستند میدارد مانند فرقه مجسمه که از آیه (الرحمن علی العرش استوی) قائل به تجسیم خدا می‌شوند بدینجهت معرفت متشابهات قرآن از بزرگترین وظایف دینی است تا هدایت از گمراهی ممتاز گردد (۱) لیهلك من هلك عن بينه و يحيى من حى عن بينه (۲) اتفاقاً در صدر اسلام هم کسانی بودند که به تشبیه توجه نمی‌کردند و امور حسیه را مورد حکم قرار میدادند و از احکام خود نتایج غلط می‌گرفتند و از آن نتایج در راه عناد و اجاج با اسلام استفاده کرده مردم را گمراه می‌ساختند (۳) و پیامبر درباره آنها فرمود اذاریتم الذین یتبعون ما تشابه منه فاحذروهم (۴) مع اسف این فتنه جوئیها لطماتی فراوان بمجتمع و عقاید اسلامی وارد آورد و مذاهب تازه ای از این پدیده غلط بوجود آمد چنانکه عبده گوید فرقه‌های فتنه‌جوئی معانی اصطلاحی تاویل راملائک قرار دادند و به استناد آیه هل ينظرون الا تاويله (۵) گفتند باید منتظر کسی بود که بیاید و آیات قرآن را پس از تنزیل تاویل کند و موسسین فرقه‌های باطنیه بایه و بهائیه خود را بنام آن مبعوثین منتظر خواندند و آیاتی را بفتح خود به غلط تفسیر کردند و حال اینکه منظور از این انتظار تحقق همان حقیقت خارجی است که آیات متشابهه بآن بر میگردد مانند روز قیامت و بروز حوادث آن (۶) بمدلول آیه فهل ينظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة (۷) و آیه ما ينظرون الا صيحة واحدة تاخذهم وهم یخصمون (۸).

— | چه کسی تاویل را میداند؟! | —

درباره علم بتاویل قرآن و اینکه چه کسی به آن علم آگاهست سخنانی است بسیار وجدلهائی فراوان گروهی علم بتاویل را در انحصار خدا میدانند و برخی راسخان علم را هم از این دانش بهره‌مند می‌شمارند. و احتجاج هر دو دسته باین آیت است که (و ما یعلم تاويله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون آما به کل من عند ربنا (۹) سیوطی می‌گوید متشابه علمش در انحصار خداست مثل قیام ساعة (وقوع روز رستاخیز) و معانی مقطعه (۱۰) و اکثر اهل سنت بر این عقیده اند مانند عبدالرزاق که در تفسیر خود این معنی را می‌پذیرد و همچنین الحاکم که علم تاویل قرآن را در

- | | |
|----------------------|------------------|
| ۱ - المعجزة الخالده | ۲ - سوره انفال |
| ۳ - اعلام قرآن | ۴ - المنار |
| ۵ - اعراب ۵۱ | ۶ - تفسیر المنار |
| ۷ - سوره محمد آیه ۲۰ | ۸ - سوره یس |
| ۹ - آل عمران آیه ۷ | ۱۰ - الاتقان |

انحصار خدا میداند (۱) و اینان کسانی هستند که در این آیه (الراسخون) رابه (الله) معطوف نمیدانند چنانکه عروقه بن زبیر و طاوس گفتند که تاویل قرآن را جز خدا کسی نداند و (واو) الراسخون فی العلم استیناف است نه ربط (۲) عایشه و حسن و مالک و جبائی گویند تاویل متشابهات در انحصار خدا است (۳) و میبندی میگوید متشابهات آن است که علم آن جز الله نداند (۴). متقابلا مجاهد و ربیع و محمد بن جعفر بن زبیر عقیده دارند که (الراسخون) معطوف به (الله) است. یعنی آنانهم به علم تاویل قرآن آگاهند (۵) و عبدالله عباس گفت انا من الراسخین الذین یعلمون تاویل المتشابه (۶) بعضی از قدماء مفسرین و طایفه شافعیه و معظم مفسرین راسخان در علم را به علم تاویل آگاه میدانند (۷). و عقیده دارند که تاویل قرآن را راسخان در علم میدانند زیرا در غیر اینصورت روشنی و صراحت قرآن از بین میرود (۸) پس قرآن شریف علم تاویل را برای غیر خداهم تجویز می کند (۹).

محمد عبده که خود از مفسرین اهل سنت است قائل به دانائی راسخان علم در تاویل آیات قرآن است و میگوید این کار عبثی است که خداوند قرآن را نازل کند و علم آنرا فقط مخصوص بخود سازد ولی ممکن است که علماء اسلامی معنی بعضی آیات را از لحاظ غرابت لفظ و اشتباه معنی بغیر آن و سایر جهات ندانند اینجاست که راسخان در علم به تبیین همه آنها می پردازند پس صواب آن است که الراسخون به الله معطوف باشد.

مفسر جلیل در تایید این کلام میگوید جایز نیست که خداوند آیاتی بفرستد که آنها را مفهومی نباشد و یا معنی آنرا حتی پیامبر نداند و جمیع اقوال علماء سلف بر آن است که فهم و درک جمیع آیات قرآن ممکن است و گروهی از علماء مانند مجاهد و ربیع بن انس و محمد بن جعفر بن زبیر این حقیقت را اذعان کرده اند و می افزاید که تاویل آیات بر طبق اصل آن محمود و بر غیر آن منموم است و راسخین فی العلم کسانی هستند که معنی صحیح متشابهات را در می یابند آنگاه میگوید تاویل برای محکم و متشابه است و چگونه میشود که تاویل متشابه را کسی نداند ولی تاویل محکومات که افضل است معلوم باشد و نتیجه میگیرد که خداوند مردم را بتدبر در قرآن امر فرمود (افلا یتدبرون القرآن) (۱۰) و آنرا کتابی روشن دانسته است کتاب فصلت آیات قرآنا

- | | |
|---------------------|--------------------------------------|
| ۱ - مسند حاکم | ۲ - تفسیر ابوالفتوح |
| ۳ - تفسیر تبیان | ۴ - کنف الاسرار |
| ۵ - تفسیر ابوالفتوح | ۶ - الاتقان - تفسیر ابوالفتوح و..... |
| ۷ - المیزان | ۸ - تفسیر مقتنیات الدرر |
| ۹ - تفسیر المیزان | ۱۰ - نساء آیه ۸۲ |

عربیا ثقوم یعقلون) (۱) و این خود دلیل است که سوای خدای اسخان در علم هم میتوانند به آیات قرآن پی ببرند (۲).

حضرت صادق (ع) قرآن را کتابی مبین و روشنگر مسائل و حقایق میداند و میفرماید ان الله تبارك و تعالی انزل فی القرآن تبیان كل شیئی حتی والله ماترك الله شیئا یحتاج الیه العباد (۳). ولی صاحب تفسیر المیزان این اختلاف و جدل را غیر لازم میدانند و میگویند این نزاع در صورتی است که ما تاویل را بمعنی تفسیر و معنی بگیریم و حال آنکه همچنانکه مذکور افتاد تاویل عبارت از يك حقیقت اصیل و عالی خارجی است که قرآن مدون و ملفوظ موجود به آن تکیه دارد و معارف و شرایع و سایر موضوعات مذکور در قرآن به آن مستند است و نسبتش به آیات قرآن نسبت روح بجدس و یا حقیقت متمثله به مثال خود میباشد (۴).

اینجا مفسر علامه پژوهشی عمیق کرده و میگوید اگر هم علم تاویل قرآن را در انحصار خداوند بدانیم این انفصال منافاتی با دلیل منفصل ندارد و ممکن است در عین حال منفصل دیگری پیدا شود که (راسخین در علم) راهم دانایان به تاویل قرآن بدانند چون علم غیب که در آیه (قل لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله) (۵) و آیه (انما الغیب لله) (۶) و آیه (و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو) (۷) خداوند آنرا مخصوص ذات اقدس خود دانسته است ولی در آیه (عالم الغیب فلا یتظهر علی غیبه احدا الا من ارتضی من رسول) (۸) علم غیب را به اذن الهی برای پیغمبر که مورد رضایت و پسند حضرتش میباشد ثابت کرده است (۹).

— راسخین در علم گیسند؟! — || —

اکنون باید بسراغ راسخان در علم برویم و بکمک قرآن و حدیث آنها را بشناسیم و از آنها در راه وصول بمعارف حقه قرآن کمک بخواهیم برای دریافت این منظور نخست باید صفات و مشخصات آنها را دریابیم و سپس شناخت آنان دست یابیم.

انس بن مالک روایت کند که ابوالدرداء و ابوامامه از رسول (ص) پرسیدند که راسخان در علم که باشند؟ فرمود من بریمینه و صدق لسانه و استقام قلبه و عفا بطنه و فرجه فذالك الراسخ فی العلم (۱۰)

- | | |
|---------------------|----------------------|
| ۱ - سجده آیه ۴ | ۲ - تفسیر المنار |
| ۳ - اصول کافی | ۴ - تفسیر المیزان |
| ۵ - سوره نمل آیه ۶۵ | ۶ - یونس ۲۰ |
| ۷ - انعام ۵۹ | ۸ - الجن ۲۷ |
| ۹ - تفسیر المیزان | ۱۰ - تفسیر ابوالفتوح |

شریف رضی گوید مراد از اسخان در علم صاحب‌دولتان و دانشمندانی باشند که ملکه علمی دارند و براریکه دانش قرار گرفته‌اند (۱) طنطاوی میگوید راسخین در علم کسانی هستند که نظر آنها در دین و طبیعت یکی است و بوجه واحدی از متشابهاست مفتون نمی‌شوند (۲) و بدیگر سخن راسخون در علم؛ تمام دانشانند که در علم پای بر استواری دارند (۳) بیضاوی آنانرا بحدوث ذهن و حسن نظر و استعداد در کسب هدایت بتاویل قرآن و تجرد عقلشان از غش و اشتباه می‌ستاید و می‌افزاید: **الذین ثبتوا و تمکنوا فی العلم (۴)** . ابوالفتوح گوید شرایط راسخون چهار است تقوی ، تواضع زهد و جهاد و این ازسیرت معمولان است (۵) .

امام باقر (ع) فرمود **كان رسول الله افضل الراسخين في العلم قد علم جميع ما انزل الله عليه من التاويل والتنزيل وما كان لينزل عليه شيئا لم يعلمه تاويله وهو واوصياؤه من بعده يعلمونه** کله (۶) و امام باقر (ع) در این باره چنین فرمود: **ان الراسخ في العلم من لا يختلف في علمه (۷)** دیگر نظر آنکه راسخین در علم کاملترین افراد انسانی هستند و چون انبیاء را که صفت عصمت دارند کاملترین افراد انسان بدانیم در علم ائمه معصومین (ع) بحساب می‌آیند (۸) و بهمین جهت حضرت صادق (ع) فرمود **الراسخون في العلم امير المؤمنين والائمة من بعده و افزود نحن الراسخون في العلم و نحن نعلم تاويله (۹)** و این دعا را پیامبر درباره علی (ع) کرد و گفت **اللهم فقهه في الدين وعلمه التاويل (۱۰)** و پیامبر فرمود **منكم من يقاتل على تاويل القرآن كما قاتلت على تنزيله** یزیدند آن کیست فرمود آنکس که او کفش من رامی‌پیراید و من تاج سراورا ، نگاه کردند علی را دیدند که از خانه بیرون می‌آید و کفش پیامبر را پیراسته و در دست دارد .

فكان علي لمنزل خاصفاً و كان النبي لمدحاً واصفاً
و لاعداء الله قاصماً قاصفاً (۱۱)

اکنون این حقیقت را بزبان علمی بیان می‌کنیم و برای کشف آن بخود قرآن تمسک می‌جوئیم خدای درباره کتابش فرماید **(انه لقرآن کریم فی کتاب مکتون لا یمسه الا المطهرون) (۱۲)**، و بطور واضح و روشنی که هیچگونه تردید بر نمیدارد خبر داده که بندگان پاک و شریفش قرآن

- | | |
|---------------------------|--------------------------------|
| ۱ - مجازات قرآن | ۲ - تفسیر الجواهر |
| ۳ - کشف الاسرار | ۴ - تفسیر انوار التنزیل |
| ۵ - تفسیر ابوالفتوح | ۶ - تفسیر عیاشی و برهان و صافی |
| ۷ - اصول کافی | ۸ - فرهنگ و عقاید اسلامی |
| ۹ - اصول کافی | ۱۰ - تفسیر المیزان |
| ۱۱ - تفسیر ابوالفتوح رازی | ۱۲ - واقعه آیه ۷۹ |

را ادراك میکنند، اینهم واضح است که مقصود از مس کردن مطهرین رسیدن بفهم و علم آن هم میباشد اینک در قرآن بدنبال مطهرین میرویم و می بینیم که آنان خاندان نبوت و اهل بیت عصمت و طهارت یعنی ائمه هداة مهدیین هستند بمدلول این آیه (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا) (۱) و دقت در این بیان میرساند که طهارت نفس در مقام اعتقاد و اراده جز رسوخ در علم چیز دیگری نیست. (۲)

در پایان این بیان و تشریح موجز از محکمت و تشابهات قرآن همزبان با حضرت سید سجاد با کمال خلوص دست بدعا برمی آوریم و بدرگاه خدای عرضه میداریم . اللهم اجعلنا ممن یرعاه حق رعایته و یدین لك باعتقاد التسلیم لمحکم آیاته و یفرع الی الاقرار بمتشابهه و مواضحات بیناته (۳) و آنگاه بالتجای به مصحف عزیز در پناه این بارگاه مقدس که بیکر پاک بضعة رسول امام ثامن (ع) را در بردارد به آستان ربوبی بانهایت اخلاص روی می آوریم و ادامه آیه صدر کلام را درختم بیان بصورت دعا میخوانیم و میگوئیم ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذهدیتنا و هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب (۴)



فخر الدین حجازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی